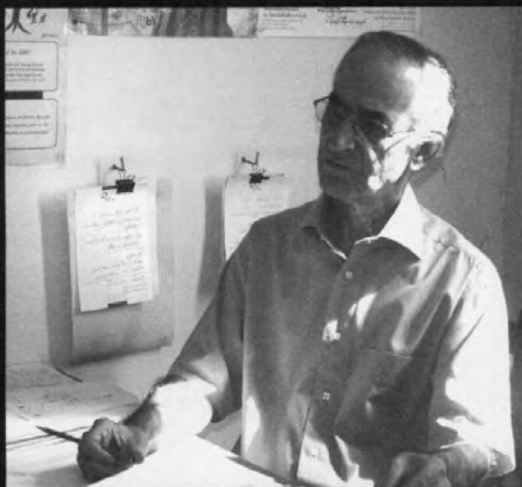


گفتگوی تجربه مجید بلوچ

■ بهرام عفرای، منار فیعی / Bahram Afravi, Mona Rafiee

An interview of
experience with

Majid Balooch



■ برای شروع لطفاً با شما بیشتر آشنا شویم.
□ متولد ۱۳۱۶ تهران، فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی و جامعه شناسی از دانشگاه تهران هستم، دوره شبانه معماری داخلی دانشگاه تهران، عکاسی با استاد سیروس امامی و مجسمه سازی را با استاد حالتی در هنرستان کمال الملک گذراندم.

شروع کارم در وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل هنرهای زیبای کشور در بخش روابط بین الملل و بی‌ینال‌ها بود. در آنجا بود که با کارهای هنرمندان جوان عصر خودم آشنا شدم. از جمله زنده یاد مارکو گریگوریان، سیروس مالک، ژازه طباطبایی، زنده یاد مرتضی ممیز، حسین زنده رودی، منوچهر شیبانی و خیلی از هنرمندان دیگر. همه اینها برایم جاذبه و در نتیجه تحرک بیشتر ایجاد می‌کرد، شاید همین باعث شد که در سال ۳۸ از اداره کل هنرهای زیبای کشور کناره گرفتم و به کانون آگهی زیبا که موسسه‌ای تجاری و تبلیغاتی بود رفتم، و با طراحان گرافیک قبل از خودم، آکس گورگیز، ژرژ سیمونیان، معصومی و ناصر صادقی و مرتضی ممیز همکار شدم. مدتی هم در آتلیه خارجی که متعلق به بخش انگلیسی‌ها بود با یک گرافیست انگلیسی به نام آقای بیکر کار کردم و خیلی چیزها از او آموختم.

■ چه شد که وارد کار گرافیک شدید؟

□ وقتی که در اداره کل هنرهای زیبای کشور کار می‌کردم با نقاش جوان و خوش قریحه‌ای آشنا و همکار شدم که این همکاری و دوستی سالیان دراز ادامه یافت. منوچهر ساسانیان هنرمند جوان و جویای نام آن روز مرا به کار نیمه وقت در توسعه ژورنالیستی فراخواند و این همان آغاز کار حرفه گرافیک بود که تا امروز نیز ادامه دارد.

■ کارهای شما بیشتر در چه زمینه‌ای است؟
□ در همه زمینه‌ها کار کرده‌ام، از لوگو و هویت سازمانی گرفته تا اعلان، پوستر، بروشور، بسته بندی، غرفه سازی، فیلم و همکاری فرهنگی هنری با مدرسه فرهاد و بعد از انقلاب نیز با خانم میرهادی و شورای کتاب کودک در تهیه فرهنگنامه کودکان و نوجوانان همکاری نزدیک دارم.

■ برای ارائه یک کار گرافیک شیوه‌های مختلفی مثل تایپوگرافی، عکاسی، تصویرسازی و ... وجود دارد، شما چه شیوه‌ای را بیشتر ابزار دست خود قرار می‌دهید؟

□ تمام این شیوه‌ها که گفتید پایه کار هستند و از همه آنها استفاده می‌شود. من از عکاسی، فرم و تصویرسازی استفاده کرده‌ام.

■ وقتی که یک سفارش به شما ارجاع می‌شود، مثلاً یک پوستر یا جلد کتاب، از کجا شروع می‌کنید؟

□ برای پیدا کردن ایده روی آن خیلی فکر می‌کنم و کتاب زیاد می‌بینم و اتوهای زیادی می‌زنم و از بین آنها یکی دو تا را انتخاب می‌کنم و بعد روی ابعاد بزرگتر می‌آورم.

اگر تجاری باشد باید حتماً تحقیق و شناخت بر روی محصول یا موضوع کار داشته باشم. بازار را بشناسم و کاردیگران را که در این زمینه انجام داده‌اند، بررسی کنم. به یاد دارم روزی سفارش دهنده‌ای داشتم که طراحی جعبه عطر از من می‌خواست. جعبه‌ی آن را برایم آورد. بعد از اتوهای که زدم از او پرسیدم این عطر در کجا ارائه خواهد شد؟ گفت برای عربستان است. پس ترجیح دادم که در آن از رنگهای تند استفاده کنم برای اینکه با محیط گرم و استوایی منطقه سازگاری بیشتری داشته باشد.

■ در جشنواره چاپ امسال برای اولین بار ملاک‌های داوری به صورت مکتوب انتخاب شد. متخصصین دعوت شدند و با استفاده از ملاک‌های تعیین شده داوری انجام شد. آیا در بی‌نیال‌ها هم ملاک‌های مستندی وجود

دارد؟ و شما برای داوری یک کار گرافیک چه ملاک‌هایی بکار می‌برید؟
□ بله ملاک‌های شناخته شده‌ای وجود دارد ولی ممکن است بعضی‌ها ترتیب این ملاک‌ها را برای خود جابجا کنند.

مثلاً باید نوآوری در کار وجود داشته باشد، یا بعضی داوران به ایرانی بودن کار خیلی اهمیت می‌دهند و این در حالی است که بعضی ممکن است آن را در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دهند. همین طور استحکام طرح بسیار مهم است. تایپوگرافی هم اهمیت و نقش زیادی در استحکام طرح دارد.

■ شما برای ایده پردازی و اجرا از چه آرشیو و منبعی استفاده می‌کنید؟

□ من کتابها را ورق می‌زنم و نمایشگاه‌ها را می‌بینم. کارهای استادان و پیشگامان و حتی جوانان این دوره را می‌بینم. من از نسل بعد از خودم خیلی چیزها فرا گرفته‌ام. اتوهای زیادی می‌کنم، چیزی کم می‌کنم و یا چیزی زیاد و یا حتی جایگزین.

■ به نظر شما در یک کار گرافیکی، زیبایی بیشتر اهمیت دارد یا مفهوم؟

□ این دو از هم جداشدنی نیستند، باید هر دو را داشته باشد.

■ چطور می‌توان به خلاقیت رسید؟

□ نگاه کردن و درست دیدن در کار اهمیت زیادی دارد. با نگاه دقیق و موشکافانه می‌توان از شکل و فرم به مفهوم عالی‌تری رسید که در دیدن اولیه و زودگذر نخواهید دید.

■ از طراحان گرافیک خارجی چه کسانی را می‌شناسید و کار آنها را می‌پسندید؟

□ البته زیادند طراحان خارجی که خالق آثار باارزشی هستند ولی من بیش از هر کس هانری تولوزلوترک را دوست دارم و بعد نیز ویکتور وازارلی، آلن لوکرنک، اندی وار هول و فوکودا.

■ همانطور که می‌دانیم گرافیک و چاپ خیلی به هم وابسته‌اند، ما پیشنهاد کرده‌ایم که

محصولات فیلیپس برای زندگی بهتر

یاکسان
PAXAN

در کنار برگزاری دوسالانه‌ها که برای بالا بردن سطح اطلاعات و آشنایی با تکنولوژی‌های جدید و به روز چاپ، کارگاههای چاپ به صورت سمینار و گردهمایی در نظر گرفته شود. عقیده شما در این مورد چیست؟

□ البته این پیشنهاد در حیطه تصمیم‌گیری برنامه ریزان هر بی‌نیال است نه من، ولی من شخصاً با هر حرکتی که جنبه آموزشی داشته باشد موافقم. این به این مفهوم نیست که حتماً در بی‌نیال‌ها انجام شود، مثلاً ما در انجمن طراحان گرافیک کمیته‌ای داریم به نام آموزش. مسئول این بخش آقای شهرام گلپریان مسئول آن هستند که به خاطر زحماتی که می‌کنند از ایشان سپاسگزارم.

■ از مصاحبت با شما خوشحالیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم. ■